

فرهنگ مدرنیته و توهم

اصغر طاهرزاده

۱۳۸۶

طاهرزاده، اصغر، ۱۳۳۰-

فرهنگ مدرنیته و توهم / طاهرزاده، اصغر. - اصفهان: لب‌المیزان، ۱۳۸۵.

۱۶۰ ص.

ISBN: 978-964-2609-01-7

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱- اسلام در غرب. ۲- تمدن اسلامی--تاثیر غرب. ۳- فرهنگ اسلامی--

ایران--تاثیر غرب ۴- اسلام--تجدید حیات فرهنگی. الف. عنوان.

۲۹۷/۴۸۹

۴ف ۲ط BP۲۲۹/۳

۴۶۷۷-۸۵ م

کتابخانه ملی ایران

فرهنگ مدرنیته و توهم

اصغر طاهرزاده

سفارش: گروه فرهنگی المیزان

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۸۶

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

طرح جلد: محمد فاطمی‌پور

کلیه حقوق برای گروه المیزان محفوظ است

مراکز پخش:

تلفن: ۷۸۵۴۸۱۴-۳۱۱

۱- گروه فرهنگی المیزان

همراه ۰۹۱۳۱۰۴۸۵۸۲

۲- دفتر انتشارات لب‌المیزان

فهرست مطالب

مقدمه	۹
مقدمه مؤلف	۱۳
فصل اول ماجرای بی‌وطنی بشر	۱۷
ماجرای غرب از کجا شروع شد؟	۲۱
فصل دوم «توهم» آفتی واقعی در شناخت واقعیات	۲۵
روح شیطانی و تغییر نظام خلقت	۲۷
شیطان و نارضایتی از نظام طبیعی	۳۱
فصل سوم مبنای مشکل	۳۵
داستان تغییر انسان «حکیم» به انسان «ابزار ساز»	۳۶
تکنولوژی موجود در خدمت کدام انسان؟	۳۸
هماهنگی انسان با طبیعت، یا هماهنگی طبیعت با انسان؟	۴۰
انسان جدید	۴۲
تکنولوژی مدرن، جواب گوی و هم	۴۴

فرهنگ مدرنیته و توحّم.....

فصل چهارم علم؛ عامل اتصال با عالم عقول و خدای علیم..... ۴۹

غفلت از نظام طولی و ایجاد توحّم معرفتی..... ۵۰

تجدید عهد با حقایق..... ۵۱

ضرورت غرب شناسی..... ۵۲

غایت تعلیم و تربیت جدید..... ۵۶

آنگاه که طبیعت به حجاب می‌رود..... ۵۹

هنر رازگشایی از طبیعت..... ۶۳

فضاهای قابل سکّتی..... ۶۵

تنها هنوز خدایی است که می‌تواند ما را نجات دهد..... ۶۸

آن‌گاه که حکیمان به حاشیه رانده شوند..... ۷۱

فصل پنجم طبیعت؛ موجودی زنده یا مرده؟..... ۷۵

علاج بیماری قبل از تشخیص آن ممکن نیست..... ۷۷

فرار از مظاهر مدرنیته راه چاره نیست..... ۷۸

اولین قدم..... ۸۰

آشتی با آسمان برای آشتی با زمین..... ۸۱

فصل ششم فرهنگی که برای ویرانی است..... ۸۵

فصل هفتم مسلمانانی که غربی شده‌اند..... ۸۹

بندگی کثرت‌ها یا جدایی از واقعیات..... ۹۲

فصل هشتم تعارض اسلام با مدرنیته..... ۹۷

چهره‌های کاذب مدرنیته..... ۹۸

فصل نهم چگونگی عبور از مدرنیته..... ۱۰۳

خودآگاهی، شرط عبور از مدرنیته..... ۱۰۸

باید جهت قلب‌ها تغییر کند.....	۱۱۰
فصل دهم انگیزه‌های نقد غرب در جهان اسلام.....	۱۱۵
فصل یازدهم شهرهای قابل زندگی.....	۱۲۱
پرسش‌ها و پاسخ‌ها.....	۱۲۵
خاستگاه نقد مدرنیته.....	۱۲۵
رفع بحران توسط عامل بحران؟!.....	۱۲۶
چگونگی حکومت تصورات بر بدن.....	۱۳۱
حد و مرز تصرف در طبیعت.....	۱۳۶
خدا، انسان، عالم، در منظر مدرنیته.....	۱۳۸
غرب مسیحی یا مسیحیت غربی؟.....	۱۴۲
تفاوت پیامبران با فیلسوفان.....	۱۴۴
هبوط انسان در زمین و محبوب شدن از اسماء الهی.....	۱۴۵
آینده‌ای امیدبخش.....	۱۴۶
مدرنیته و انسان‌های بی‌عالم.....	۱۴۸
عجله و سطحی‌نگری.....	۱۵۳
مدرنیته اسلامی ممکن است؟.....	۱۵۷
سنت و مدرنیته.....	۱۵۹
منابع.....	۱۶۱

مقدمه

باسمه تعالی

بحث از مدرنیته آنچنان گسترده است که اگر یک دانشجو و یا طلبه تصمیم بگیرد در باره آن مطالعه نماید، در مرحله اول دچار حیرت و سرگردانی می شود، به خصوص که در نقد مدرنیته اهداف متفاوتی از طریق منتقدین پیگیری می شود و لذا همواره این ضرورت احساس می شد که کتابی در نقد مدرنیته به صورت آموزشی و با نظم موضوعات و با رویکرد به تمدن اسلامی تدوین شود تا به عنوان مبانی اولیه تفکر، زبان نقد مدرنیته را ساماندهی کند و بتوان با مطالعه آن به یک جمع بندی نسبت به جایگاه فلسفی و تاریخی مدرنیته رسید.

مواردی که می توان از امتیازات این کتاب دانست عبارت است از:

- ۱- منظم بودن مباحث در یازده فصل به صورتی جداگانه، به طوری که هر فصل؛ مقدمه ای برای فصل بعدی است.

۲- روشن کردن جایگاه مطالب در جهان‌بینی اسلامی و قرآنی که این روش موجب اطمینان و دلگرمی بیشتری برای خواننده می‌گردد.

۳- در این کتاب صرفاً به ضعف مدرنیته بسنده نشده، بلکه اولاً؛ پیشنهادهاى جایگزین مورد بحث قرار گرفته و ثانیاً؛ راه عبور از مدرنیته و رسیدن به تمدن اسلامی بررسی شده است.

۴- کتاب؛ معنی «به حضور آوردن باطن طبیعت» را با مثال‌های مختلف به نحو قابل درک تبیین کرده است تا خواننده محترم از این نکته بسیار مهم حتی‌الامکان تصور قابل قبولی به دست آورد و آن را زمینه تفکرات بعدی خود قرار دهد.

۵- چنانچه ملاحظه می‌فرمایید؛ مباحث به صورت اجمال مطرح شده است تا إن شاء الله زمینه تجزیه و تحلیل آن به صورت تفصیل فراهم شود و با عبور از مدرنیته، رجوع به حقیقت دیانت عملی گردد و تمثیلات بشر از تمثیلات بشر مدرن، به تمثیلات عالم دینی و معنوی تبدیل شود، چرا که تا بشر از جنبه تئوری و نظری از عالم مدرنیته عبور نکند، هرگز به تفکر دینی به عنوان تفکر جایگزین تفکر مدرنیته نمی‌تواند دست یابد و هدف اصلی کتاب، عبور فکری و نظری از مدرنیته به سوی تفکر معنوی حضوری است، به امید آن که جامعه مؤمنین منتظر تمدن اسلامی شوند.

۶- در جواب دادن به سؤالات آخر کتاب حوصله کافی صرف شده است، به این امید که حتی‌الامکان موضوع برای سؤال‌کننده روشن شود، زیرا پس از نقد مدرنیته عموماً عاملی که مانع می‌شود تا شخص به یک جمع‌بندی قانع‌کننده برسد، بی‌پاسخ ماندن سؤالاتی است که پیش می‌آید،

و به همین جهت پیشنهاد ما این است که خوانندگان محترم پس از مطالعه دقیق کتاب، قبل از هر گونه جمع‌بندی، همت نموده و با دقت هر چه بیشتر قسمت سؤال و جواب‌ها را مطالعه فرمایند.

۷- این کتاب را به امید آن که ما نیز از این طریق قدمی در راستای رفع موانع تحقق تمدن اسلامی برداشته باشیم، به خوانندگان عزیز تقدیم می‌کنیم، هر چند می‌دانیم درک نیست‌انگاری مدرنیته، درد و رنجی عالمانه نیاز دارد ولی تا این پرده ظلمانی دریده نشود، امید تابیدن هیچ نوری از عالم معنی به این سو نمی‌رود، اما درک شیعی عزیزان خواننده ما را امیدوار می‌کند.

البته روشن است که نقد مدرنیته به عنوان حجاب تمدن اسلامی تازه راه خود را شروع کرده است و هنوز در اول راه خود می‌باشد، ولی تجربه نشان داده است که طرح مسائلی که نظر به اقامه دین دارد، در فرصتی کوتاه آنچنان جای خود را باز می‌کند که گسترش و رشد آن، انسان را به تعجب و اُمی دارد. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ**

گروه فرهنگی المیزان

مقدمه مؤلف

باسمه تعالی

توجه به فرهنگ مدرنیته و بررسی خاستگاه آن برای کسانی که سعی دارند در راستای اصلاح خود و احیاء فرهنگ دینی در جامعه گامی بردارند از جهات مختلف ضروری به نظر می‌رسد.

۱- هرگز نمی‌توان بر شالوده عهد غربی، خانه دین را بنا کرد، زیرا در یک زمان روی آوردن به دو مقصد و با دو عهد متفاوت امکان ندارد. و لذا برای بازسازی امت اسلامی باید مدرنیته شناخته شود تا این بازسازی، برگشت به اسلام باشد و نه برگشت به فرهنگ غرب ولی با لعاب اسلام، و این مسلم است که اگر خاستگاه فلسفی، اجتماعی فرهنگ مدرنیته به‌خوبی شناخته نشود، انرژی خیزش عظیم اسلامی پس از مدتی هدر می‌رود و باز جهان اسلام خود را در تارهای عنکبوتی فرهنگ مدرنیته اسیر می‌یابد.^۱

۱ - دوره شور انقلابی در اواسط قرن بیستم در کشورهای اسلامی مثل الجزایر و پاکستان و مصر، دوره عبرت آموزی برای امروز ما است.

۲- ابتدا باید فرهنگ مدرنیته با عهد غیر قدسی آن، به روشی عالمانه و دقیق بررسی شود تا بتوان انفکاک‌ی را که بین فرهنگ مدرنیته با فرهنگ دینی هست به شکل محققانه نشان داد، زیرا روح فرهنگ مدرنیته هر جریان دینی را کهنه و مربوط به گذشته می‌داند و مسلم در صورت داشتن عهد قلبی با فرهنگ مدرنیته، هرگز نمی‌توان زندگی دینی و تمدن اسلامی را سازماندهی نمود، چون مدرنیته هر فکر و فرهنگی را که نتوانست به رنگ خود در آورد و در خود هضم کند، مطلقاً نفی می‌کند و اصلاً به عنوان یک فکر و فرهنگ به حساب نمی‌آورد.

۳- در ادامه مباحث؛ روشن خواهد شد که نقد مدرنیته به این معنی نیست که از فردا باید همه لوازم و تکنیک مربوط به آن فرهنگ را کنار گذاشت و خود را بدون هیچ ابزاری در همه صحنه‌های فعالیت صنعتی و اجتماعی متوقف نمود، بلکه در نقد فرهنگ مدرنیته دقت بر سر انتخابی است که باید برای فرهنگ و تمدن آینده جهان اسلام انجام دهیم تا سرنوشتی چون سرنوشت غرب امروز به سراغمان نیاید، غربی که با گذر از آخرین مرحله حیاتش، در حال تجربه پایان تاریخ سراسر الحادی خود است، به طوری که دیگر حتی مجالی برای پوشاندن خود در زیر لعاب واژه‌های آزادی و رفاه و تکنولوژی پیشرفته ندارد.

۴- مسلم شرط ظهور وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام ایجاد آمادگی لازم فرهنگی و اعتقادی در فرد و جامعه است؛ حال اگر از یک طرف حجاب ظهور آن حضرت درست شناخته شود و از طرف دیگر جایگاه تمدن اسلامی به معنی واقعی آن که عبارت است از حاکمیت امامی

معصوم در مناسبات انسانی جامعه، درست تبیین گردد، قدمی بلند در نزدیکی به جامعه انسانی و بلوغ تاریخی خود برداشته‌ایم و مباحث بررسی فرهنگ مدرنیته قدمی است در راستای شناخت درست حجاب نور آخرالزمان.

۵- برای برون‌رفت از وضع موجود؛ سه نکته باید مورد توجه قرار گیرد:

- الف- توجه به وضع موجود و بررسی مبانی فکری و فرهنگی مدرنیته
- ب- ترسیم وضع مطلوب و ظهور نظام مهدوی
- ج- توجه به شرایط سیر از وضع موجود به وضع مطلوب که انقلاب اسلامی متکفل آن است.

در این کتاب صرفاً به بررسی مدرنیته و فرهنگ موجود می‌پردازیم و آن دو قسمت دیگر را باید در کتاب‌ها و نوشتارهای مربوطه پیگیری نمایید. ولی عنایت داشته باشید اگر از نکات فوق غفلت شود، نه تنها بازخیزی اسلامی در حال ظهور به ثمر نمی‌رسد بلکه نسبت به آینده اسلام گرفتار یأس خواهیم شد.

۶- به استحضار خوانندگان عزیز می‌رسانم که بنده به عنوان یک معلم، مباحث مطرح در این کتاب را جهت تدریس تنظیم کرده‌ام و به این معنی نیست که خودم را صاحب مطالب آن بدانم، بلکه امید دارم توانسته باشم مبانی نقد مدرنیته را به نحوی که خوانندگان عزیز بتوانند به صورتی اساسی آن را بشناسند در اختیارشان قرار دهم.